

## دوشهادت معتبر درباره مسئولیت ناشی از رای دادن

امیر فیض- حقوقدان

در برنامه خانم سحر اماتی<sup>۱</sup> ویدیویی ارائه گردید که متضمن دوشهادت در رابطه با تحریر مسئولیت اجتماعی در مشارکت در انتخابات است.

آن ویدیونشانگر حضور دوتن بود که شخص اول با وجود اینکه تصویر روشنی از او دیده میشد ولی متأسفانه بنده نتوانستم نام ایشان را بگیرم که این تحریر از بابت معرفی شاهد که یکی از ارکان شهادت است ناقص نماند اکنون از جاوید ایران درخواست میکنم در صورتی که نام شاهد مزبور را میشناسند از این تحریر رفع نقص بفرمایند.

شخص نخست عبدالکریم سروش است، و شخص دوم محمد ملکی که مزورانه در تظاهرات محمد نوریزاد هم شرکت میکند. نگاره هارا نگاه کنید.

### شهادت شاهد

شهادت شاهد در عبارت صریح و روشن این بود که اگر ۴۰ سال پیش قوه تشخیص امروز را داشتیم هرگز انقلاب نمی‌کردم.

اولین برداشت سطحی از شهادت شاهد این است که اولاً قوه



تشخیص امروز با ۴۰ سال پیش بکلی متفاوت است و دوم اینکه قوه تشخیص امروز ما اجازه شرکت در انتخابات را نمیدهد.

<sup>۱</sup> - این بانو پیشتر در تلویزیون کانال یک شهرام همایون آگاهی های روز را میخواند. از آغاز برنامه افق ایران وابسته به «شورای تجزیه طلبان» به تلویزیون افق ایران پیوسته. در روز ۷ نوامبر ۲۰۱۶ با «دلایک» زنانه شورای ملی (تجزیه طلبان)! در رابطه با انتخاب های رژیم اسلامی گفتگویی انجام داده و قطعه فیلم هایی نشان داده است. در این گفتگو نازیلا گلستان شرح مفصلی در باره اینکه مجلس بر اساس قانون اساسی رژیم اسلامی اداره میشود و انتخاب ها بر اساس قانون اسلامی است و انتقاد از جمهوری اسلامی میدهد ولی آنگاه که سحر اماتی نظر او را درباره تحریم انتخابات میپرسد میگوید واژه تحریم عربی است ما نمی توانیم انتخابات را تحریم کنیم- ضد و نقیض هایی که در بدنه شورای ملی (تجزیه طلبان)! حضور دارد روشن و نمایان همانند خورشید در این گفتگو حضور دارد. ح-ک

همه کسانی که از مشارکت در شورش ۵۷ نادم و پشیمان هستند همین برداشت و بیان رادارند، زیرا از آنچه در کشور میگذرد بسیار متاسف و ناراضی هستند؛ منتها کسانی مانند شاهد ندای وجدانشان را تبدیل به بیان و عرضه میکنند و بسیاری خیر احتیاط میکنند؛ ولی تصور نمیکنم هیچ وجدانی فارغ و خالی از چنین تاسف و ندامتی باشد.

شهادت مزبور کاشف است، اگر ظرف سی و هفت سال گذشته که بهرحال به قوه تشخیص کاملتری رسیده ایم که بطور قهری زمان انسان را با تشخیص بیشتر و آگاه تر به مسائل میکند نسبت به کاری که در شورش ۵۷ کرده ایم از تفکر دیگری که ناشی از تشخیص جامع و درست بود استفاده میکرد یعنی نه در انقلاب و نه در تبعات آن از جمله شرکت در انتخابات خودداری مینموده.

همین روزها خبری در سطح جهانی منتشر شده که جمهوری اسلامی بسیاری سد در کشور ساخته که اصلا آبی پشت آن جمع نمیشود. چیزی که در هیچ کشوری نمیتواند ممکن باشد، چرا؟ زیرا یک راه قانونی و حمایت شده برای غارت کشور است در ارقام بسیار بزرگ که ظاهری هم قابل قبول و عنوان آبادانی دارد و باطنش غارت و چپاول مال کشور. درست یاد آور آن ضرب المثل تاریخی میرزا آغاسی است که اگر کندن چاه به آب نمیرسد به نان که میرسد، اگر پشت سد آب جمع نمیشود ملیون، ملیون غارت قانونی که صورت گرفته است، در ظاهر آمار میدهد که فلان تعداد سد ساخته شده ولی در باطن آبرگیری بوجود نیامده ولی پول هنگفتی تحت عنوان سد سازی چپاول شده است.

همین روزها پلیس جمهوری اسلامی اعلام کرده که مصرف مواد مخدر در میان زنان خطری بسیار جدی است. این خبر را اگر یک پژوهشگری بنویسد یک چیز است و وقتی پلیس جمهوری اسلامی میگوید چیز دیگری است که نشانگر نبود قبح برای آن است والا چگونه ممکن است کسی که مسئول جلوگیری از مصرف مواد مخدر است با این پرونی و بی پروانی این خطر عمده را به خبرگذاری های خارجی و داخلی اعلام کند و یا عجز ناتوانی خود را که اولین مسئول جلوگیری از این فاجعه است نشان بدهد.

**حاشیه** = یادمان نرود که مصرف مواد مخدر در اسلام حرام نیست و استقبال مردم اسلام زده ایران از مواد مخدر گناه نمیباشد؛ و قانون مجازات جمهوری اسلامی نسبت به مواد مخدر دقیقا از قوانین ضد اسلامی است و یکی از دلایل مهم ازدیاد مصرف مواد مخدر حرام نبودن آن است. (پایان حاشیه)

همین دیروز شیخ حسن دریک سخنرانی گفت «مشکل اصلی اقتصاد ایران فساد است» و در توضیح به کم و کیفیت فساد اشاره کرد ولی جرات معرفی مراکز و پامرکز فساد را نداشت.

این اعلام را کسی میکند که مسئولیت جلوگیری از فساد دقیق به عهده خود اوست.

هیچ مقامی در کشور نیست که حاضر به قبول مسدولیت قانونی خود باشد. این حالت بلبشو ناشی از ماهیت نظام جمهوری اسلامی است؛ **چرا باید به بقای جمهوری اسلامی با شرکت در انتخابات رای داد؟**

مسئول این نابسامانی غیر قابل علاج همه کسانی هستند که به بقای این نظام از بیخ و بن فاسد رای داده اند و یا در انتخابات آینده آن شرکت میکنند.

هرکس ذره ای احساس انسانی داشته باشد همان احساس را دارد که شاهد اعلام کرده است. خوب آیا این شاهد با چنین درک و احساس یشیمانی می‌رود و در انتخابات پیش روی شرکت میکند که معنای آن تجدید بیعت با جمهوری اسلامی است؟ که معنای آن اجازه برای غارت کشور و فروش زنان و دختران به کشورهای عربی و زمینه سازی برای فحشای آنان و ادامه بیکاری و نقض حقوق انسانی ایرانیان بعلاوه حاکمیت کشور آمریکا بمدت ۲۵ سال بر ملت ایران است؟ (برجام)- مسلما خیر.

شاهد حالتی را که بعدها برای شرکت کنندگان در انتخابات جمهوری اسلامی پیش خواهد آمد یعنی ندامت و یشیمانی را از هم اکنون به ایرانیان عرضه میکند و آنان را متوجه خطائی می‌سازد که خود شاهد در ۴۰ سال پیش یعنی شرکت در شورش ۵۷ کرده است.

ادبیات و فرهنگ ایرانی ضرب المثلی دارد که میگوید <الاغ دوبار پایش رادریک سوراخی نمیگذارد> عین این ضرب المثل در ادبیات اسلامی تحت عنوان حدیثی آمده است که میگوید <مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمیشود> یعنی مومن بی گذار به آب نمیزند، از گذشته درس تجربی میگیرد، از تجربه دیگران استفاده میکند و در تطبیق مورد وقتی شاهد میگوید اگر من انقلاب کردم اشتباه کردم و اظهار ندامت میکند یعنی یک مسلمان از تجربه او بهره میگیرد و اگر الاغ هم باشد دوباره پایش را در سوراخ انتخابات که در واقع یک دام است نمیگذارد.

### اما شاهد دیگر

شاهد دیگر که امید وارم اشتباه نکرده باشم آقای محمد ملکی است که اولین رئیس دانشگاه تهران منصوب جمهوری اسلامی است. او در ردیف مخالفان سرسخت رژیم سلطنتی ایران نیز بوده و آنطور که خود او گفته است هم در رژیم مشروطه ایران و هم در نظام جمهوری اسلامی زندان هم رفته.

شهادت ایشان بسیار قانع و محکم به استواری مسئولیت اجتماعی شرکت کنندگان در انتخابات، یاری حقوقی میدهد او با صورتی سرخ و با قهر و غلبه وجدان فریاد کرد.

<از همه شما معذرت خواستم و از همه شما خواستم دادگاه تشکیل بدهید و مرا از آن یک رای که به جمهوری اسلامی دادم مرا محاکمه کنید.>

### بیداری وجدان

دیده شده که گاه وجدان تبهکارانی یکباره بیدار و هشیار شده و احساس میکند که نمیتواند باراتهام را دیگر تحمل کند و اینجاست که یا خود را به دستگاه قضا برای مجازات معرفی میکند و یا آنقدر فشار وجدانشان زیاد است که بمردم کوچی و بازار متوسل میشود که او را برای خطا و جنایتی که کرده است محاکمه کنند.

تاریخ نظایری از مورد راثبت در خود دارد که تا آنجا که مشهور است مدرس که از شخصیت های سیاسی و مذهبی طراز اول ایران صدر مشروطه بود بمناسبت همکاری با آلمان در جنگ بین الملل و شرکت در

دولت در تبعید و دریافت کمک از آلمان برای مقابله با دولتهای روس و انگلیس متهم به خیانت به کشور شد و مدرس کسی نبود که تاب تحمل این اتهام سنگین را داشته باشد و درست مانند آقای محمد ملکی با تفاوت اینکه در مجلس فریاد کرد که مردم مرا محاکمه کنید و اگر مقصرم مجازاتم کنید.

### شخصیت شاهد

یکی از ارکان اعتباری شاهد، شخصیت شاهد است؛ گاه شهادت به مناسبت شخصیت شاهد ختم الکلام است آقای محمد ملکی یک فرد عامی و معمولی نیست بهر حال دریافت های علمی دارد که تجربیات و شهادتش را از اعتبار خاصی برخوردار میسازد. در شورش ۵۷ مشارکت جدی داشته آنهم متفکرانه، مهمترین مقامات کشور که ریاست دانشگاه تهران بوده از سوی شورشیان محول او شده، وقتی به همان یک رای که داده آنقدر قائل به اهمیت میشود که مسئولیت ناشیه از آن را در حد خیانت به کشور میداند، تائید توجه مسئولیت اجتماعی ناشی از شرکت در انتخابات به همه شرکت کنندگان در انتخابات پیش روی کشور است و در کلامی دیگر تائید تحریر مسئولیت اجتماعی شرکت در انتخابات است.

شاهد یک فرد عادی نیست که معنای محاکمه و یا اتهام خیانت رانند. شاهد دقیقا به سنگینی اتهامی که متوجه او و همه شرکت کنندگان در انتخابات جمهوری اسلامی میباشد واقف است بنابراین اعلام صریح شاهد متضمن این دریافت است که اگر گیرندگان پیام و شهادت او مسلمان هستند به اعتبار حدیث منسوب به محمد و اگر با فرهنگ و ادبیات ایران سروکار دارند، و لاقلاً مقام و موقعیتی برابر و بالاتر از الاغ برای خودشان قائلند خودشان رابه معرکه انتخابات نزدیک نمیکند.